

## نگاهی به شکل‌گیری رسمی روابط ایران و لهستان

بر پایه اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران

داود چرمی<sup>۱</sup>

### چکیده

در مورد تاریخ روابط ایران و لهستان منابع متعددی به رشته تحریر درآمده است. سابقه اولین ارتباط بین دو کشور به دوره صفویه بازمی‌گردد، اما با انقراض حکومت صفویان و تجزیه لهستان این روابط رسمیتی پیدا نکرد. مذاکره به منظور برقراری روابط سیاسی بین دو کشور از اواخر قرن دوازدهم هجری شمسی آغاز شد. قبل از برقراری روابط رسمی بین دو کشور، فردی به نام مسیو ورتهیم سرکنسول افتخاری ایران در ورشو بود و همزمان نیز ایران برای برخی از نمایندگان خود مانند نبیل‌الدوله و یمین خاقان از ورشو آگرم‌ان گرفت. مذاکرات مربوط به انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتی بین دو کشور در ورشو انجام شد و سرانجام در سال ۱۳۰۵ش. در تهران به امضای نمایندگان دو کشور رسید. این عهدنامه در سال ۱۳۰۶ش. برای تصویب به مجلس شورای ملی ارسال شد و پس از انجام برخی اصلاحات، در سال ۱۳۰۷ش. به‌طور رسمی بین طرفین منعقد شد. نوشته حاضر، در پی بررسی جزئیات مذاکرات بین ایران و لهستان به منظور ایجاد روابط سیاسی است. این پژوهش بر اساس اسناد موجود در آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انجام شده است.

### واژگان کلیدی:

روابط کشورها، ایران، لهستان، اسناد.

## مقدمه

تاریخ روابط سیاسی ایران و لهستان به اوایل دوران صفویه بازمی‌گردد. بر اساس اطلاعات موجود، نخستین تماس دیپلماتیک ایران و لهستان در سال ۱۴۷۴م. رخ داده است که پادشاه لهستان به نام کازیمیرز-جاگیلو،<sup>۱</sup> هیئت سیاسی ایران که با خود نامه‌ای از اوزون حسن آق‌قویونلو را داشتند، به حضور پذیرفته است.<sup>۲</sup> در نامه مذکور، اوزون حسن ضمن اینکه به لهستان تضمین دوستی داده بود، خواستار اتحاد با حاکم آنجا برای جنگ با عثمانی شده بود. (مشهوری مقدم، ۱۳۸۳: ۵۴). بنابراین وجود تهدید مشترکی به نام عثمانی، عاملی برای برقراری ارتباط میان ایران و لهستان بود و در این راستا تبادل نمایندگان صورت گرفت. از گام‌های بعدی برای برقراری اتحاد سیاسی و نظامی میان دو کشور، اعزام هیئتی سیاسی به سرپرستی آنتونی شرلی و حسینعلی بیک بیات در سال ۱۰۰۷ق./ ۱۵۹۹م. در دوره شاه‌عباس اول به ورشو بود. هدف این هیئت، فراهم آوردن زمینه همکاری سیاسی، تجاری و اتحاد نظامی بر ضد عثمانی بود (برازش، ۱۳۸۸: ۴۱). مناسبات ایران و لهستان در دوران صفوی به‌طور پراکنده ادامه یافته و هیئت‌هایی بین طرفین مبادله می‌شد. در این دوران برخی از کالاهای ایران به لهستان صادر می‌شد، اما کوشش دیپلماتیک برای اتحاد سیاسی در برابر عثمانی هرگز جنبه عملی به خود نگرفت. با انقراض سلسله صفوی و پس از آن تجزیه لهستان، مراودات شکل گرفته متوقف شد و از سفر هیئت‌های دیپلماتیک لهستانی به ایران جلوگیری به عمل آمد. (مشهوری مقدم، ۱۳۸۳: ۶۴). هدف اصلی این نوشتار پرداختن به تاریخ ارتباطات پراکنده بین ایران و لهستان نیست، بلکه شکل‌گیری روابط سیاسی بین دو کشور و جزئیات مربوط به مذاکرات دوجانبه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

سؤال اصلی مقاله این است که روابط رسمی بین ایران و لهستان در چه مقطعی و چگونه آغاز شد؟ برخی از منابع فارسی آغاز روابط بین دو کشور را سال ۱۳۰۵ش. ذکر کرده‌اند

<sup>۱</sup>. Kazimierz- Jagiello (۱۴۴۷-۹۲)

<sup>۲</sup>. برخی از مقالات یاد شده عبارت‌اند از:

- سیراکاسکا- دانیو جولانتا، «مناسبات ایران و لهستان در دوره صفوی»، ترجمه: خسرو مشهوری مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، پاییز ۱۳۸۳، ۲۰، صص ۶۷-۵۱.
- برازش امیرحسین، «روابط سیاسی ایران و لهستان در سده هفدهم میلادی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، زمستان ۱۳۸۸، ۴۱، صص ۵۹-۳۹.
- شیراکوفسکا- دیندو یولانتا، «نفوذ و فرهنگ ایران در فرهنگ و هنر لهستان در عصر صفوی»، ترجمه: بدرالسادات علی‌زاده مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره‌های ۲۷-۲۶، صص ۳۳-۲۱.

### نگاهی به شکل‌گیری رسمی روابط ایران و لهستان □ ۳

(علی‌بابایی، ۱۳۷۵: ۸۳۵). هر چند مؤلف یاد شده در صفحه بعدی به هنگام نام بردن از اسامی نمایندگان سیاسی ایران در لهستان، از اسدخان اسدبهدادر نام برده است که سفارت ایران در ورشو را در ۲۲ آذر ۱۲۹۹ تأسیس کرده است (همان، ۱۳۷۵: ۸۳۶). با نگاهی به تاریخ انعقاد عهدنامه مودت و نیز قرارداد تجارتهی بین ایران و لهستان درمی‌یابیم که این اسناد در همان سال به امضای طرفین رسیده است و شاید به همین دلیل سال ۱۳۰۵ ش. به‌عنوان آغاز روابط رسمی بین دو کشور ذکر شده است. همزمان برخی از منابع فارسی، سال ۱۲۹۹ ش. را به‌عنوان آغاز روابط رسمی بین دو کشور نام برده‌اند (آبی‌نا، ۱۳۶۴: ۷۲). البته در این رابطه برای تأیید یا تکذیب هر یک از تاریخ‌های یادشده سندی ارائه نشده است. مراجعه به آرشیوهای مختلف و بررسی اسناد موجود می‌تواند بخشی از زوایای پنهان مذاکرات به‌منظور برقراری روابط بین ایران و لهستان را روشن سازد.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران که بخشی فراوان از اسناد تاریخ روابط خارجی ایران را در خود جای داده است، دربردارنده اسناد ارزشمندی در خصوص مذاکرات بین ایران و لهستان است. خوشبختانه اسناد مربوط به تأسیس روابط رسمی بین دو کشور در مرکز یادشده موجود است و می‌توان بر اساس این اسناد سیر روابط را ترسیم کرد. نوشته حاضر در پی آن است که با مراجعه به اسناد یاد شده، آغاز روابط رسمی و دیپلماتیک بین دو کشور را تا حد امکان مشخص نماید.

با نگاهی گذرا به اسناد مربوط به روابط ایران و لهستان می‌توان آن را در چند گروه دسته‌بندی کرد:

الف- اسناد مربوط به روابط دوجانبه ایران و لهستان

ب- قراردادهای منعقد شده بین دو کشور

ج- مکاتبات بین مقامات ایران و لهستان

در ادامه اسناد مذکور به ترتیب تاریخی بررسی خواهند شد.

### الف) اسناد مربوط به روابط دوجانبه ایران و لهستان

بخش اسناد قدیمه مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، در مورد روابط ایران و لهستان اسناد متعدد با موضوعات متفاوتی را در خود جای داده است که به‌منظور سهولت در بررسی، این اسناد در چند بخش ذیل مرور می‌شوند:

- اسناد مربوط به ناآرامی‌های لهستان: برخی از اسناد موجود در این بخش به توصیف ناآرامی‌های لهستان در اوایل قرن بیستم میلادی پرداخته است.
  - اسناد مربوط به شناسایی استقلال لهستان: اسنادی در بخش اسناد قدیمه وجود دارند که به شناسایی استقلال لهستان توسط ایران مربوط می‌شوند.
  - اسناد مربوط به برقراری روابط دوجانبه: آخرین گروه اسناد قدیمه که به برقراری روابط دوجانبه بین ایران و لهستان ارتباط دارند.
- البته برای معرفی این اسناد به‌ناچار توضیحاتی در مورد برهه تاریخی سند یا اسناد مورد بحث ارائه داده خواهد شد که گریزی از آن نیست.

#### - اسناد مربوط به ناآرامی‌های لهستان

سال‌های ۱۷۷۲، ۱۷۹۳ و ۱۷۹۵م. سال‌های بسیار سختی برای لهستان بود. طی این سال‌ها امپراتوری‌های پروس، روسیه و اتریش هر کدام بخش‌هایی از خاک این کشور را به خود ضمیمه کردند که فقط بخش اندکی از آن مستقل باقی ماند و آن بخش نیز در سال ۱۷۹۵م. بین این سه قدرت تقسیم شد (بیات، ۱۳۸۱: ۸). در اواخر جنگ جهانی اول (۱۹۱۸م.) این کشور با فراز و نشیب‌هایی استقلال خود را بازیافت و دوران جمهوری دوم شکل گرفت. چنانچه ذکر شد، بخش عمده‌ای از لهستان در اشغال روسیه تزاری بود و هر از چند گاهی در مناطق اشغالی شورش‌هایی رخ می‌داد که اغلب توسط روسیه سرکوب می‌شد. برخی از اسناد قدیمه به توصیف این ناآرامی‌ها و شورش‌ها در لهستان پرداخته‌اند که از قدیمی‌ترین سندهای موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران هستند. اسناد یاد شده به‌طور عمده گزارش‌هایی محسوب می‌شوند که توسط سفارتخانه‌های ایران از جمله در سن پترزبورگ (به‌طور عمده)، پاریس و لندن تهیه شده‌اند و تحولات داخلی لهستان را به تهران گزارش داده‌اند. گزارش مربوط به برکناری وزیر امور خارجه روسیه به دلیل اختلاف نظر با تزار روسیه در مورد لهستان یکی از این گزارش‌هاست (آرشیو وزارت امور خارجه ۱۱۶-۱۱-۱۳-۱۳۳۴ق.).

### - اسناد مربوط به شناسایی استقلال لهستان توسط ایران

در بین اسناد مربوط به لهستان، چند سند وجود دارد که برخی از سفارتخانه‌های ایران و نیز مسئولین برخی از ایالت‌های کشور به دلایل مختلف در مورد به رسمیت شناختن استقلال لهستان از وزارت امور خارجه استعلام کرده‌اند. البته برخی از این سفارتخانه‌ها ضمن استعلام توصیه کرده‌اند که ایران بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل می‌تواند استقلال لهستان را به رسمیت بشناسد. در این رابطه، پس از تبادل نامه‌های مکرر بین وزارت امور خارجه ایران و نمایندگی‌ها در کشورهای اروپایی، وزارت امور خارجه تصمیم می‌گیرد که استقلال لهستان را به رسمیت بشناسد. این موضوع در هیئت وزیران مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته است و به سفارت ایران در پاریس مجوز مربوط برای اقدام لازم صادر می‌گردد. یکی از جالب‌ترین اسناد موجود در این بخش، گزارش دریافتی از سفارت ایران در پاریس است و در این گزارش که تاریخ آن ۱۲۹۸ ش. / ۱۳۳۸ ق. / ۱۹۱۹ م. ذکر شده، آمده است که «بر اساس مجوز صادره از هیئت محترم دولت [ایران] این سفارت در ضمن مراسله رسمی به وزیرمختار لهستان در پاریس ... تصمیم دولت علیه را در شناسایی آن دولت به قید تعیین حدود قطعی اشعار نمود» (همان: ۱-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.). در پاسخ به یادداشت سفارت ایران در پاریس، طرف لهستانی نیز طی یادداشتی از همتای ایرانی خود قردادانی نموده و اعلام می‌کند که مراتب را به پایتخت خود اطلاع داده است (همان: ۱/۲-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.).

### - اسناد مربوط به آغاز روابط ایران و لهستان

بخش دیگر اسناد، به آغاز روابط میان ایران و لهستان می‌پردازد که در واقع بخش عظیمی را تشکیل می‌دهند. با نگاهی به این اسناد درمی‌یابیم که اسناد فراوانی پیش از سال ۱۳۰۵ ش. موجود است که به برقراری روابط دوجانبه بین ایران و لهستان اختصاص دارند. شاید قدیمی‌ترین سند در این بخش مربوط به گزارش تهیه شده توسط سرکنسولگری دولت علیه ایران در قفقاز (تفلیس) به سال ۱۲۹۸ ش. / ۱۳۳۸ ق. / ۱۹۱۹ م. است (همان: ۵۱-۰۶-۱۵-۱۳۳۸ ق.). در این سند، ورود هیئتی از سوی لهستان به قفقاز گزارش شده است. هیئت یادشده با سرکنسولگری ایران تماس گرفته و ضمن ابراز تمایل به برقراری روابط سیاسی و تجارتی با ایران اظهار داشته است که به دلیل مشکلات پیش‌رو تاکنون نتوانسته‌اند مأموری

را به ایران اعزام نمایند و مشخص نیست که دولت ایران به چه دلیلی نسبت به اعزام نماینده به ورشو اقدام نکرده است. هیئت لهستانی اعلام کرد که به دلیل عدم آشنایی با وضعیت ایران تصمیم گرفته تا فردی به نام پودگورسکی را به عنوان سرکنسول به ایران اعزام کند و او بتواند گزارش‌هایی از اوضاع ایران تهیه نماید تا سنگ بنایی برای برقراری روابط سیاسی و تجارتي میان دو کشور شود. ظاهراً فرد یادشده قبلاً در ایران حضور داشته است و بنا به مشکلاتی که در زمان حضور وی در ایران رخ داده بود، دولت ایران با اعزام نامبرده به ایران به عنوان نماینده لهستان موافقت نمی‌کند و به هیئت لهستانی پیشنهاد می‌دهد که در آغاز روابط بهتر است فردی نمایندگی لهستان در ایران را به عهده داشته باشد که در ایران از حُسن سابقه برخوردار باشد؛ بدین ترتیب تلاش برای برقراری ارتباط رسمی بین دو کشور بدون نتیجه باقی ماند.

چندین سند مربوط به سال ۱۳۳۹ق. نیز وجود دارد که می‌تواند نقاط تاریک روابط دوجانبه را تا حدی روشن سازد. البته تقدم و تأخر این اسناد چندان مشخص نیست. یکی از این اسناد، گزارش ارسالی از سفارت ایران در پاریس به تهران است. در این گزارش به فردی به نام مسیو ورتهیم<sup>۱</sup> اشاره شده که به عنوان سرکنسول افتخاری دولت علیه در ورشو انجام وظیفه می‌کرده است (همان: ۱۰-۰۷-۱۵-۱۳۳۹ق.). در این گزارش آمده است:

«در موقعی که دولت جمهوری لهستان استقلال خود را اعلان نمود، مسیو ورتهیم جنرال قونسول دولت علیه مقیم ورشو مستقیماً و به توسط سفارت لهستان در پاریس شرحی کتباً و تلگرافاً به سفارت نوشت مبنی بر اینکه چون تصدیق مأموریت او از طرف دولت قدیم روسیه بوده، لازم است تصدیق جدیدی برای ابقای او در مأموریت خود از دولت حاضر لهستان صادر شود. مراتب همان وقت به شاهزاده نصرت‌الدوله که وزیر امور خارجه بود راپورت شد و جواب به این مضمون به سفارت دادند که مسیو ورتهیم فعلاً در شغل خود باقی خواهد بود تا آنکه تکلیف قطعی این امر از طهران صادر شود. در همین زمینه به سفارت لهستان در پاریس شرحی نوشته شد و خواهش گردید که به مسیو ورتهیم هم مراتب را اعلان نمایند و از سفارت لهستان جواب رسید که دولت متبوعه آن به مسیو ورتهیم

<sup>۱</sup>. Wertheim

موقتاً اجازه داده است که در شغل خود باقی بماند تا اینکه دولت علیّه تصدیق مأموریت او را از دولت حالیه لهستان بخواهد...» (آرشیو وزارت امور خارجه، همان).

تهران در پاسخنامه یاد شده طی تلگرافی به پاریس اعلام داشت که به‌زودی مأمور جدیدی برای لهستان معین و اعزام خواهد شد و تأکید کرد که تا ورود مأمور جدید، ژنرال قونسول مزبور به وظایف خود عمل خواهد نمود (همان: ۰۳-۰۷-۱۵-۱۳۳۹ق.).

جالب اینکه در همین سال (۱۳۰۰ش./ ۱۳۳۹ق.) نبیل‌الدوله از پاریس در تلگرافی به وزیر امور خارجه ایران اعلان می‌کند که اگرمان ایشان از دولت جمهوری لهستان رسیده و خواهش کرده است که زودتر وسایل حرکت ایشان را فراهم آورند (آرشیو وزارت امور خارجه ۰۵-۰۷-۱۵-۱۳۳۹ق.). ظاهراً تهران به این تلگراف پاسخی نمی‌دهد و نبیل‌الدوله طی تلگراف دیگری از ارباب کیخسرو خواهش کرده است تا مراتب ذیل به اطلاع مشارالسلطنه، وزیر امور خارجه وقت ایران، برسد:

«در تاریخ ۱۷ سپتامبر به‌وسیله سفارت لندن و با رمز سفارت مزبور تلگرافی راجع به وصول اگرمان خود از دولت لهستان معروض داشته و برای عزیمت به ورشو استدعای صدور تعلیمات و ارسال وجه نموده بود. فرمان اینجانب در ماه شعبان به امضای اعلیحضرت همایونی رسیده است و سه ماه حقوق وزارت مختاری در ورشو را از ابتدای ماه حمل دریافت داشته است. تلگرافاً منتظر تعلیمات است (همان: ۱۱-۰۷-۱۵-۱۳۳۹ق.).»

در پاسخ به تلگراف فوق، مشارالسلطنه وزیر امور خارجه ایران از طریق سفارت ایران در پاریس به نبیل‌الدوله اعلام می‌کند که تلگراف را ملاحظه کرده، اضافه می‌نماید که در موقع اعزام مأمور به لهستان، سابقه مشارالیه مورد توجه قرار خواهد گرفت (همان: ۰۴-۰۷-۱۵-۱۳۳۹ق.).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که ایران در دورانی که لهستان مستعمره روسیه بوده، یکی از اتباع آن کشور را به‌عنوان سرکنسول افتخاری به خدمت گرفته بود. همچنین ایران از لهستان درخواست اگرمان می‌کند و بر اساس تلگراف فرد مورد بحث، این کشور با اگرمان ایشان موافقت کرده، ولی به دلیل نامعلومی اعزام نبیل‌الدوله عملی نشده است.

در سال ۱۳۰۱ش. سندی در مورد روابط دوجانبه ایران و لهستان در آرشیو وزارت امور خارجه ایران مشاهده نشد که شاید بی‌ارتباط با اوضاع داخلی ایران نباشد، اما در سال ۱۳۰۲ش. شاهد آن هستیم که دولت لهستان تلاش کرده است تا روابط بین دو کشور را برقرار نماید؛ این مسئله متقابلاً با استقبال ایران مواجه شده است.

بر اساس گزارش تهیه شده توسط وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌های ایران در اسلامبول، برن و لندن (همان: ۱۱-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.) طی تلگراف‌هایی به وزارت امور خارجه اطلاع داده‌اند که نمایندگان لهستان در کشورهای یادشده در تماس با هم‌تایان ایرانی خود، تمایل دولت متبوع خود را به برقراری روابط رسمی با ایران اعلام کرده‌اند (همان: ۱۱-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.). در این سال سفارت کبرای دولت علیّه در اسلامبول در تلگرافی به وزارت امور خارجه اطلاع داد که نماینده دولت لهستان در اسلامبول اظهار داشته که نظر به اهمیت دولت ایران در شرق و نیز با توجه به لزوم تأمین مواد خام، دولت مزبور نهایت اشتیاق را به ایجاد روابط بین طرفین و انعقاد عهدنامه مودت دارد و هم‌زمان استمزاج کردند که آیا دولت ایران هم مایل به عقد قرارداد و انعقاد روابط هست یا خیر؟ (همان: ۰۶ و ۰۳-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.). تلگراف مشابهی از سوی سفارت دولت علیّه در برن دریافت شد که نظر دولت لهستان به عقد قرارداد با ایران را بیان نمودند (همان: ۰۵-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.). از طرف وزارت امور خارجه جواب داده شد که «دولت ایران نیز مانند دولت لهستان، به ایجاد روابط با دولت مشارالیها نهایت اشتیاق را دارد و حاضر است که با عقد قرارداد مودت به‌طوری‌که تقاضای دولت لهستان است روابط خود را تحکیم نماید؛ ولی شرط اول قرارداد عدم مذاکره از امتیازات مخصوصه است که سابقاً در عهدنامه‌های ایران و خارجه مذکور می‌گردیده است» (همان: ۱۱-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.).

سفارتخانه‌های ایران در برن و اسلامبول هر دو تقاضا کردند که عهدنامه به‌وسیله آن‌ها بسته شود و این مسئله همین‌طور باقی بود تا وقتی که آقای مشاورالممالک سفیر کبیر دولت علیّه ایران در مسکو به تهران وارد شد. آقای ذکاءالملک این‌طور صلاح دانست که شرح تمایل دولت لهستان را به آقای مشاورالممالک ابراز کند و از ایشان خواست پس از مراجعت به مسکو با نماینده لهستان برای عقد قرارداد داخل مذاکره شود (همان) و این مسئله به کلیه سفارتخانه‌های ذی‌ربط از جمله به برن اطلاع داده شد (آرشیو وزارت امور خارجه ۳۳ و ۰۴-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). وزیر مختار ایران در برن، تصمیم ایران در این خصوص که نمایندگی ایران در مسکو برای ادامه مذاکرات تعیین شده است را به اطلاع هم‌تای لهستانی خود رساند، ولی واکنش نماینده لهستان کاملاً منفی بود. تلگراف دریافتی از برن حاکی از آن بود که دولت لهستان از اینکه دولت ایران تصمیم گرفته است تا مذاکرات

مربوط به عقد قرارداد در مسکو انجام پذیرد فوق‌العاده گله‌مند است و به‌هیچ‌وجه حاضر به عقد قرارداد در آنجا نخواهد بود و مایل است این کار در یک کشور بی‌طرف مانند سوئیس انجام شود. وزیر مختار لهستان در برن به همتای ایرانی خود اظهار می‌دارد که:

«... از بدو امر دولت ما که پیشنهاد بستن عهدنامه را نموده بود محل مذاکرات را برن تقاضا کرده بود زیرا که دولت سوئیس دولت بی‌طرفی است و اغلب معاهدات بین‌المللی این اواخر در شهرهای مختلفه سوئیس بسته است کما اینکه معاهده اخیر بین لهستان و ترک پس از ختم کنفرانس لوزان توسط خود من در همین نقطه با عصمت پاشا بسته شد و در آن عهدنامه برای اینکه دولت روسیه اشکال در مسئله ترانزیت می‌کند ما با دولت ترک ترانزیت مال‌التجاره خودمان را از خاک آن‌ها قرار داده و حالیه می‌خواهیم مال‌التجاره خود را از طریق (طرابوزان) تبریز به ایران وارد کنیم و بندر مخصوصی هم در بحر اسود برای صدور مال‌التجاره خود داریم...» (همان: ۵۳ و ۳۱-۳۰-۴۲-۱۳۰۳ ش.).

بدین ترتیب تصمیم دولت ایران برای انجام مذاکرات در مسکو که به‌هیچ‌وجه برای طرف لهستانی قابل قبول نبود، باعث گردید که مذاکره به‌منظور برقراری روابط بین دو کشور به تعویق بیفتد. به نظر می‌رسد که وزارت امور خارجه ایران حساسیت طرف لهستانی نسبت به حکومت روسیه را مد نظر قرار نداده است؛ زیرا این کشور پس از سال‌ها انتظار و نیز پس از انجام چندین شورش ناموفق، استقلال مجدد خود را از روسیه بازیافته بود و طبعاً حاضر به انجام مذاکره در مسکو نبود. در بین اسناد، هیچ دلیل خاصی در خصوص عمدی بودن انتخاب مسکو وجود ندارد و این اقدام صرفاً جنبه سلیقه‌ای داشت. البته از طرف دیگر نباید فراموش کرد که سفارت ایران در روسیه از مهم‌ترین سفارت‌خانه‌های کشور بود. جالب اینکه در همین برهه ژاپنی‌ها نیز حاضر نشده بودند مذاکرات مربوط به تأسیس روابط با ایران را در مسکو برگزار کنند که این مسئله نشان‌دهنده عمق اختلافات این کشورها با روسیه بود. در این سال مذاکرات بین دو کشور قبل از آغاز به پایان رسید.

در سال ۱۳۰۳ ش. یکی از کارمندان وزارت امور خارجه به نام آقای اسدخان یمین‌خاقان تلگرافی را به تهران ارسال کرد و اعلام نمود که به علت وضعیت مزاجی مجبور است در اروپا اقامت کند و از طرف دیگر مایل است به مملکت خود نیز خدمت نماید. در صورتی که اولیای دولت علیّه مایل باشند، می‌توانند او را به‌عنوان وزیرمختار لهستان - که سابقاً نیز تعیین شده

است - بفرستند و وی برای انجام این خدمت نظر به مشکلاتی که از حیث مالیه برای دولت حاصل است، تقاضای بودجه نخواهد کرد. آقای ذکاءالملک وزیر خارجه وقت ایران با پیشنهاد آقای یمین خاقان اظهار موافقت نمود و در همان سال به وی اطلاع داد که به مأموریت لهستان بدون حقوق تعیین شده است. در همان تلگراف تصریح شد که ایشان مأمور عقد قرار با لهستان نیز خواهند بود (آرشیو وزارت امور خارجه ۴۷ و ۴۶ و ۲۶-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). همان طوری که مشاهده می شود، در این سند یک مطلب بسیار مهم وجود دارد و آن اشاره به این مطلب است که آقای یمین خاقان سابقاً نیز به وزیر مختاری ایران در لهستان تعیین شده بود. در سطور بعدی بیشتر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

آقای یمین خاقان با آگاهی از تغییر شرایط در کشور لهستان طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه می نویسد که:

«تغییر رژیم دولت لهستان از موقع آگرمان اول اینجانب مستلزم تجدید تقاضای آگرمان است. متمنی است در این خصوص دستور لازم به سفارت لندن صادر نمایند. چنانچه اعتبارنامه و اختیار تام و دستور فرستاده شده است تلگراف نمایند. چون تهیه خود را دیده، مایل است به اسرع وسایل ممکنه به سر شغل خود رود» (همان: ۰۶-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.).

تقاضای تجدید آگرمان توسط یمین خاقان نشان می دهد که قبلاً برای وزیر مختاری ایشان آگرمان از دولت لهستان اخذ شده بود، اما با استقلال این کشور، لازم شد، مجدداً درخواست آگرمان شود. بدین ترتیب مشخص می شود که لهستان در دوره‌ای که تحت حاکمیت روسیه اداره می شد، برای آقایان نبیل الدوله و یمین خاقان آگرمان صادر کرده است ضمن اینکه در همین دوران، ایران در لهستان سرکنسول افتخاری داشته است.

وزارت امور خارجه ایران طی یک تلگراف رمز خطاب به سفارت ایران در لندن دستور می دهد که برای یمین خاقان از لهستان تقاضای آگرمان نمایند (همان: ۰۷-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). سفارت ایران در لندن پس از تماس با همتای لهستانی خود در تهران، نظر دولت لهستان را بدین صورت منعکس می کند که «دولت لهستان اظهار می دارد که نهایت اشتیاق را به ایجاد روابط بین دولتین و اعزام آقای یمین خاقان دارند؛ اما چون مدتی است که تقاضای عقد قرارداد شده است، خوب است مشخص شود که آیا مشارالیه مأموریت عقد قرارداد هم دارند یا خیر؟ در صورتی که این سمت را نیز داشته باشند، با مأموریت موافقت

دارند» (همان). وزارت امور خارجه ایران جواب داد که یمین‌خاقان به وزیرمختاری لهستان انتخاب و مأمور عقد عهدنامه شده است (همان: ۰۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). سپس طی تلگرافی به اطلاع یمین‌خاقان می‌رساند که احکام و دستورالعمل مأموریت وی به لهستان صادر و فرستاده شده است (همان: ۰۵-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). یمین‌خاقان نیز در نامه‌ای به وزارت امور خارجه ایران ضمن قدردانی از انتصاب وی به مأموریت لهستان، اظهار امیدواری می‌کند که احکام مربوطه «زودتر به صحنه همایونی موشح گردد تا وی بتواند به ترتیب رسمی وظایف مأموریت را کاملاً به عمل آورد» (همان: ۱۰-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.). سرانجام؛ اعتبارنامه نماینده ایران برای انعقاد عهدنامه «به قید تصدیق دولت ایران» برای یمین‌خاقان به امضای مشارالملک، وزیر وقت امور خارجه ایران، تهیه و ارسال می‌گردد. در این اعتبارنامه آمده است که:

«ما وزیر امور خارجه دولت علیّه ایران به موجب این ورقه به آقای اسدخان یمین‌خاقان وزیر مختار و ایلچی مخصوص ایران در نزد اولیای دولت جمهوری لهستان وکالت و اختیار می‌دهیم که در مذاکرات راجعه به انعقاد یک معاهده که در زمینه وداد و دوستی روابط بین ایران و جمهوری لهستان را تنظیم نماید، نمایندگی دولت علیّه ایران را عهده‌دار باشد و امضای معزی‌الیه برای چنین قراردادی مشروطاً به تصویب دولت ایران معتبر و ممضی خواهد بود» (آرشیو وزارت امور خارجه ۱۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.).

البته این احکام به دلیل نامعلومی و پس از چند ماه تأخیر، در بهمن ۱۳۰۳ به دست یمین‌خاقان رسیده است (همان: ۲۱-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.).

در این بین، سفیر کبیر دولت علیّه در اسلامبول شرح مذاکرات خود با همتای لهستانی را ارسال می‌نماید. در این مذاکره وزیرمختار لهستان از تغییر مکرر محل مذاکره گله‌گذاری کرده و اعلام می‌کند که رئیس‌جمهور لهستان فرمان مذاکره بین دو کشور را برای اسلامبول صادر کرده است و به همین دلیل سفارت یاد شده برای چندمین بار درخواست می‌کند وزارت امور خارجه ایران اجازه دهد که مذاکرات در اسلامبول انجام شود (همان: ۱۲ و ۰۸-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). ضمناً سواد فرامین مورد بحث نیز به تهران ارسال می‌شود (همان: ۵۶ و ۵۵-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). بر اساس این فرامین، کنول<sup>۱</sup> به عنوان نماینده لهستان تعیین شده بود. وزارت امور خارجه در پاسخ اعلام کرد که این مأموریت به یمین‌خاقان، وزیرمختار ایران

<sup>۱</sup>. Knoll

در لهستان داده شده است و او به زودی عازم محل مأموریت خواهد شد (همان: ۰۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.). با نگاهی به اسناد درمی‌یابیم که سفارتخانه‌های لهستان در برن و اسلامبول تلاش می‌کردند تا انعقاد عهدنامه بین دو کشور از طریق این سفارتخانه‌ها صورت پذیرد و به تبعیت از ایشان نمایندگان ایران در برن (همان: ۵۳-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.) و اسلامبول (همان: ۵۴.۱، ۵۴.۲ و ۵۴-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.) نیز گزارش‌های مفصلی تهیه و به تهران ارسال کرده‌اند، اما با توجه به تصمیم وزارت امور خارجه مبنی بر انتخاب و اعزام یمین‌خاقان به ورشو، این تلاش‌ها بدون نتیجه باقی می‌ماند؛ لذا انجام مذاکرات بین دو کشور در ورشو قطعی می‌شود.

همان طوری که در سطور پیشین گفته شد، برخی از احکام یمین‌خاقان مانند اعتبارنامه و احکام مأموریتی تهیه شد، اما ظاهراً احکام یاد شده به دست وی نرسیده است. در اواخر سال ۱۳۰۳ ش. یمین‌خاقان طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه می‌نویسد:

«... سفیر کبیر لهستان مقیم پاریس در عزیمت بنده به ورشو اصرار و عجله بسیار داشت... بالاخره دو روز قبل باز وقت ملاقات خواسته تلگرافی از طرف دولت متبوعه خود قرائت و رسماً اظهار داشت که اگر بنده تا نهم حوت (اول مارس) به ورشو نرسم دولت لهستان در تغییر محل و تأخیر مذاکره عهدنامه خود را آزاد خواهد دانست. این بود اظهار رسمی. از طرف دیگر نظر به اینکه، اولاً در این چهار سال اخیر مکرر اولیای دولت علییه در صدد افتتاح مراودات رسمی با دولت لهستان برآمده‌اند و مکرر مأمور به سمت وزیرمختاری تعیین و رضایت (آگرمان) آن دولت تحصیل شده، ولی صورت نگرفته است. ثانیاً در باب انعقاد عهدنامه حسن طلب و اظهارات آن دولت به وسایل مختلفه تاکنون نتیجه نداده است. سفیر کبیر لهستان در ضمن صحبت به بنده فهماند که اگر باز تعطیل و تأخیری به ظهور برسد موجب سوء اثر خواهد شد. بنابراین با وجود نرسیدن نامجات و عدم وصول جواب عرایض تلگرافی خود در این باب لابد و ناچار، امروز عازم ورشو خواهم شد. مبدا بیش از این اسباب کدورت دولت لهستان فراهم آید... با وجود این اگر بعد از ورود به ورشو نامجات مبنی بر مأموریت بنده نرسد سرگردانی و بی‌تکلیفی در آنجا بنده را قهراً مجبور به معاودت خواهد کرد...» (آرشیو وزارت امور خارجه ۲۳-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.).

در هامش این نامه، وزیر امور خارجه ایران خطاب به معاون کل وزارت متبوع می‌نویسد:

«حس می‌کنم که در وزارت امور خارجه یک عدم مساعدتی نسبت به یمین‌خاقان در مأموریت او ابراز می‌شود زیرا در شش هفت ماه نسبت به اظهارات او چندین دفعه یادداشت‌هایی در انجام وسایل مأموریتش نموده و باز می‌بینیم بلاثر و بلانتیجه مانده. اساساً چه ضرورتی این انتخاب داشته که منتهی به این حال بشود که هم یمین‌خاقان وزیرمختار بدون حقوق و بدون بودجه متضرر و مفتضح و هم برودت دولت لهستان فراهم بیاید زیرا پاسخ علتی متصور نیست که در مدت هفت ماه نامه‌ها را به او نرسانند و به‌علاوه به تلگرافات او جواب ندهند. اگر تلگرافات او به من رسیده که بدون یادداشت نگذاشته‌ام چه شده است که جواب آن صادر نگردیده. با مقایسه تمام این‌ها در عقیده خود راسخ می‌شوم. پس بهتر است که مأموریت او را ملغی و اگر عهدنامه هم باید بسته شود اطلاع بدهید آقای طباطبایی که داوطلب هم بود با نماینده لهستان در ترکیه منعقد نماید. قدغن فرمایید همین قسم تلگراف به یمین‌خاقان بشود و او را از این بی‌تکلیفی و افتضاح مستخلص نمایند (آرشیو وزارت امور خارجه، همان)». ضمناً در هامش همین نامه آمده است که نامه‌های یمین‌خاقان در ماه حوت (اسفند ۱۳۰۳ ش.) فرستاده شده است.

بدین ترتیب یمین‌خاقان قبل از وصول نامه‌های مأموریتی خود عازم ورشو می‌شود. وی در گزارش دیگری به وزارت امور خارجه می‌نویسد که:

«... ۱۱ حوت (۱۱ اسفند ۱۳۰۳ ش.) وارد ورشو شدم. با وجود اینکه ورود بنده صورت رسمی نداشت، رئیس اداره شرقی وزارت خارجه و نماینده اداره تشریفات در ایستادن‌گاه [ایستگاه] راه‌آهن حاضر شده و مراسم پذیرایی به عمل آوردند. بعد از چند ساعت با کنت کشینسکی<sup>۱</sup> وزیر خارجه ... ملاقات حاصل شد. از تجدید مراوده مابین دولتین ایران و لهستان و شروع به انعقاد عهدنامه دوستی فی‌مابین بسیار اظهار خوشوقتی کردند. ... روز بعد مسیو گرابسکی<sup>۲</sup> رئیس‌الوزرا که کفالت وزارت امور خارجه را بر عهده گرفته بود، بنده را پذیرفته و مشروحاً از وضع حالیه لهستان و جدوجهدی که اولیای آن دولت در استحکام روابط خارجه و اصلاحات داخله می‌نمایند، صحبت به میان آورده و امیدهایی را که به حصول نتایج بزرگ در آتیه دارند بیان نمود و بعد در اساس انعقاد عهدنامه دوستی و تجارתי

<sup>۱</sup>. Komte Keshinsky

<sup>۲</sup>. Grabsky

مابین دولتین مذاکره کرده اظهار و اشتیاق نمود به اینکه روابط سیاسی فی مابین که متجاوز از دو قرن به این طرف متروک مانده دوباره برقرار شود و مخصوصاً اصرار داشت که عهدنامه دوستی و معاهده تجارتي موافق مصالح طرفین هر دو در یک موقع منعقد گردد و به امضا برسد. معلوم است که بنده در مقابل این اظهارات دوستانه به طور مقتضی در مقام جواب برآمده و به علاوه خاطر نشان نمودم که فعلاً اعتبارنامه بنده فقط برای مذاکره عهدنامه دوستی است ولی چون دیدم معزی‌البیه به معاهده تجارتي زیاد اهمیت می‌دهد و آن را لازم ملزوم عهدنامه دوستی می‌شمارد و از طرف دیگر تصور نمی‌شد که اولیای دولت علیه از قرارداد تجارتي که متضمن مصالح طرفین باشد مضایقه کنند فدوی مقتضی ندیدم که از تبادل افکار در این باب امتناع نمایم خصوصاً که در موقع ضیافت‌های رسمی و ملاقات‌های دیگر مکرر این مطلب را طرح کردند» (همان: ۲۰-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.).

بدین ترتیب با حضور یمین‌خاقان در ورشو مذاکرات دو طرف در مورد جزئیات مربوط به عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي آغاز شد. البته قبل از اینکه یمین‌خاقان پاریس را به مقصد ورشو ترک نماید، دستورالعمل مربوط به مذاکره با لهستان را دریافت می‌کند. در این دستورالعمل دو نکته مهم ذکر شده است. اول اینکه عهدنامه با چین به‌عنوان نمونه آورده شده است و دیگر اینکه دولت ایران تأکید اکید دارد که در قرارداد با لهستان از ذکر واژه «دولت کامله‌الوداد» خودداری شود (همان: ۲۱-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.). جالب اینکه طرف مذاکره یمین‌خاقان همان مسیو رومن کنول<sup>۱</sup>، وزیرمختار لهستان در آنکارا هست که موقتاً برای انجام مذاکرات به ورشو فراخوانده شده است. البته رئیس اداره شرقی وزارت امور خارجه و یکی از رؤسای ادارات وزارت تجارت لهستان نیز آقای کنول را در مذاکرات همراهی می‌کردند (همان: ۲۶-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.). با مذاکراتی که بین دو طرف انجام می‌شود، عهدنامه به پاراف دو نماینده می‌رسد و یمین‌خاقان نسخه‌ای از قرارداد را به تهران می‌فرستد تا مورد ارزیابی قرار گیرد. بر اساس توضیحات ارائه شده توسط یمین‌خاقان در نسخه مزبور به جای واژه «دولت کامله‌الوداد» واژه «معامله متقابل» گذاشته شده است. همان‌طوری که قبلاً گفته شد، طرف لهستانی عهدنامه دوستی را با قرارداد تجارتي متلازم می‌دانست، قرارداد تجارتي نیز بین دو طرف تهیه شد، اما نماینده ایران بدون اینکه آن را پاراف نماید،

<sup>۱</sup>. Roman Knoll

برای اظهارنظر به وزارت امور خارجه ایران می‌فرستد. همچنین طرف لهستانی بر عبارت تجدید حُسن مناسبات تأکید داشته است که در واقع اشاره تلویحی به مرآده تاریخی حکومت لهستان با پادشاهان صفویه دارد و در خاتمه درخواست می‌کند اعتبارنامه جدیدی برای ایشان تهیه و ارسال نمایند تا بتواند بر اساس آن در مورد عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي به مذاکره بپردازد (همان).

در برهه‌ای که مذاکرات بین طرفین در ورشو به منظور انعقاد عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي ادامه داشت، دولت لهستان تصمیم می‌گیرد تا آقای استانیسلاو همپل<sup>۱</sup> را به‌عنوان شارژدافر به ایران اعزام نماید به همین جهت آقای یمین‌خاقان مراتب را به اطلاع تهران رسانده، درخواست آگرمان می‌نماید (آرشیو وزارت خارجه: ۱۲-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ ش.). تهران با این درخواست موافقت کرده، اعلام می‌کند که اعزام شارژدافر نیازی به آگرمان ندارد (همان: ۱۱-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ ش.). مراتب توسط یمین‌خاقان به وزارت امور خارجه لهستان ابلاغ می‌گردد و او در گزارش خود می‌نویسد که:

«اولیای دولت لهستان مصمم شده‌اند که در تهران سفارت تأسیس کنند و مأموری به سمت وزیرمختاری اعزام نمایند. مخارج آن را هم در جزء بودجه به تصویب مجلس ملی رسانیده‌اند و حالا یک مقصود از فرستادن شارژدافر تهیه مکان و ملزومات سفارت است. مسیو همپل که سابقاً در اسلامبول و پراگ به سمت شارژدافری مأموریت داشته به‌زودی با زوجه خود از راه بغداد عازم طهران خواهد گردید. چون در بدو ورود به‌واسطه عدم اطلاع از رسوم و عادات مملکتی ممکن است دچار عسرت بشود هر توجهی که در مساعدت و همراهی با مشارالیه مبذول افتد بسیار به‌موقع و مستحسن خواهد بود. خصوصاً نظر به رفتار دولت لهستان که منتهی درجه احترام و پذیرایی را در باره اقل مأمور دولتِ علییه به عمل آوردند و با وجود اینکه مأموریت فدوی هنوز صورت رسمی پیدا نکرده بود از هیچ چیز دریغ ننمودند...» (همان: ۰۷-۱۱-۵۵-۱۳۰۵ ش.).

یمین‌خاقان در یکی از نامه‌های خود (۵ خرداد ۱۳۰۴ / ۲۶ مه ۱۹۲۵) نوشته است که چون شارژدافر لهستان دو سه روز دیگر عازم تهران خواهد شد، لذا، او گزارش‌های خود در مورد نتایج مذاکرات مربوط به انعقاد عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي و سواد این

---

<sup>۱</sup>. Stanislaw Hempel

عهدنامه‌ها را از طریق وی به تهران می‌فرستد (همان: ۳۸-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.). بدین ترتیب مشاهده می‌شود که همپل، شارژدافر لهستان در ایران، احتمالاً باید در خرداد ۱۳۰۴ وارد تهران شده باشد. در این رابطه وزارت داخله طی نامه‌ای به اطلاع وزارت امور خارجه می‌رساند که به حکام و مأمورین مربوطه به صورت تلگرافی دستور داده شده است که در تهیه وسایل مسافرت و احترامات شارژدافر لهستان و همراهان ایشان همکاری لازم را به عمل آورند (همان: ۰۲-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ ش.).

پس از ورود شارژدافر لهستان به تهران، مذاکرات مربوط به عهدنامه دوستی و قرارداد تجاری سرعت گرفت. مذاکره در مورد عهدنامه دوستی در وزارت امور خارجه انجام شد و وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه مذاکرات در مورد قرارداد تجاری را برعهده گرفت (همان: ۰۹-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ ش.). در این دوره، مسئولیت وزارت یاد شده با تیمورتاش بود که طی نامه، نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌ربط را برای بحث در مورد این قرارداد به وزارتخانه فراخواند که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر جزئیات مربوط به آن خودداری می‌شود.

بدین ترتیب پس از سال‌ها مذاکره، عهدنامه دوستی و قرارداد تجاری بین ایران و لهستان نهایی شد و در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ / ۱۹ مارس ۱۹۲۷ به امضای طرفین رسید. از سوی ایران، علی‌قلی خان انصاری وزیر امور خارجه وقت و از سوی لهستان، استانیسلاو همپل شارژدافر لهستان در تهران این اسناد را امضاء کردند. قراردادهای یاد شده در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۶ به‌منظور تصویب به مجلس شورای ملی ارسال شد، اما کمیسیون خارجه نسبت به بعضی از مواد آن ایرادهایی وارد نمود و پیشنهاد کرد که دولت با مقامات مربوطه لهستان مجدداً مذاکره نماید. (مخصوصاً حذف ماده ۶ قرارداد تجاری امضاء شده در ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ مربوط به مسائل گمرکی که لازم بود بعد از فسخ عهد سائر دول مطابق مقتضیات جدیده تغییر و ماده دیگری به جای آن تنظیم گردد). پس از مذاکره، دولت لهستان با درخواست ایران موافقت کرد و به شارژدافر خود اجازه داد که پروتکل‌های مربوط را امضاء و مبادله نماید. ماده ۶ قرارداد تجاری بین دو کشور حذف شد و ماده دیگری طی یک پروتکل جایگزین گردید. همچنین دو فقره مراسله بین طرفین راجع به تفسیر مواد عهدنامه مودت و قرارداد تجارت به امضای طرفین رسیده و اسناد مبادله شد (آرشیو وزارت امور خارجه ۱۱-۲۸-۱۳۰۷-۴۴ ش.). مبادله این پروتکل‌ها در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۰۷ / ۱۴ آوریل ۱۹۲۸ بین طرفین صورت پذیرفت.

در پایان این بخش، مناسب است که به تأسیس کنسولگری لهستان در تبریز نیز اشاره‌ای شود. سفارت لهستان در تهران طی یادداشتی در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۰۷ / ۲۹ مه ۱۹۲۸ به وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که قصد تأسیس کنسولگری در تبریز به تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۰۷ / اول ژوئیه ۱۹۲۸ را دارد (همان: ۰۵ و ۳۰-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ ش.). وزارت امور خارجه طی نامه‌ای مراتب را به هیئت دولت اعلام کرد و اضافه نمود:

«دولت لهستان بر طبق عهدنامه منعقدہ بین ایران و لهستان می‌تواند در تبریز کنسولگری ایجاد نماید. ولی نظر به اینکه عهدنامه مزبور هنوز مبادله نشده است و در صورت انجام امر نیز اجرای مفاد آن پانزده روز پس از مبادله شروع خواهد گردید، در این صورت عجلتاً ایجاد کنسولگری لهستان در تبریز موکول به اجازه مخصوص دولت خواهد بود. علیهذا اگر تصویب می‌فرمایند که قبل از مبادله عهدنامه اجازه تأسیس کنسولگری صادر شود، جواب مساعد به سفارت نوشته شود والا صبر نمایند تا وقتی که عهدنامه مبادله شود» (همان: ۲۷-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ ش.).

هیئت‌وزراء طی نامه‌ای خطاب به وزارت امور خارجه می‌نویسد که «تقاضای شارژدافر لهستان برای ایجاد کنسولگری در تبریز در جلسه اول مرداد ۱۳۰۷ هیئت‌وزراء قرائت و مقرر گردید که اجازه تأسیس کنسولگری در تبریز به شارژدافر لهستان داده شود. از همین قرار جواب مراسله سفارت لهستان را صادر فرمایید» (همان: ۰۱-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ ش.).

سرانجام وزارت دربار خطاب به تشریفات وزارت امور خارجه می‌نویسد که شرفیابی رسمی مسیو همپیل وزیرمختار دولت لهستان برای ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه مورخه ۲۷ آذر ۱۳۰۷ تعیین شده است (همان: ۴۰-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ ش.).

### ب) قراردادهای منعقدہ بین دو کشور

قدیمی‌ترین اسناد موجود در این گروه به سال ۱۳۰۵ ش. بازمی‌گردد که مربوط به عهدنامه مودت و قرارداد تجارتي بین ایران و لهستان است. همان‌طوری‌که در سطور پیشین ذکر شد، عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي بین ایران و لهستان در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ به امضای نمایندگان دو کشور رسید. این قراردادها به دلیل اشکالاتی که در برخی از مواد این متون وجود داشت، به تصویب مجلس شورای ملی نرسید. قابل ذکر است که در ۲۰

اردیبهشت ۱۳۰۶ / ۱۰ مه ۱۹۲۷ دولت ایران تمام امتیازهای قضایی که خارجیان در ایران داشتند را لغو کرد و تعرفه‌های گمرکی نیز دچار تغییراتی شد؛ قراردادهای ایران با لهستان نیز از این تغییرات مصون نماندند. پس از مذاکراتی، در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۰۷ / ۱۴ آوریل ۱۹۲۸ پروتکل‌هایی بین نمایندگان دو کشور مبادله شد که جزء لاینفک قراردادهای پیشین به‌شمار می‌رفت. بر اساس این پروتکل‌ها، ماده ۶ قرارداد تجارتنی فسخ و ماده جدیدی جایگزین آن شد. همچنین دو فقره مراسله بین دو کشور در خصوص نحوه تفسیر مواد عهدنامه مودت و قرارداد تجارتنی مبادله شد.

### ج) مکاتبات بین مقامات ایران و لهستان

قدیمی‌ترین نامه مبادله‌شده بین دو کشور، نامه رئیس‌جمهور لهستان، ایناس موسیسکی<sup>۱</sup> است که به زبان فرانسه خطاب به پهلوی اول در تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۱۵ / ۲ اکتبر ۱۹۳۶ نگاشته شده است. نامه دیگری نیز توسط رئیس‌جمهور آن کشور در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۱۷ / ۶ اکتبر ۱۹۳۸ به زبان‌های فرانسه و لهستانی به شاه نوشته شده که موضوع آن در مورد تغییر وزیرمختار است.

### نتیجه

روابط دو کشور ایران و لهستان به دوران صفویه بازمی‌گردد و دلیل عمده مذاکرات بین آنها در این دوره، تهدید مشترکی است که از سوی عثمانی وجود داشت. به‌رغم دیدارها و مکاتبات متعدد بین طرفین، مذاکرات به نتیجه ملموسی منجر نشد. انقراض حکومت صفویه در ایران و از بین رفتن استقلال لهستان به‌طور موقت، پایان این مذاکرات را فراهم آورد. پس از استقلال لهستان، ایران از جمله کشورهایی بود که استقلال این کشور را از طریق سفارت ایران در پاریس به رسمیت شناخت و قدردانی طرف لهستانی را در پی داشت.

مذاکرات بین ایران و لهستان به‌منظور شکل‌گیری روابط، از طریق برخی سفارتخانه‌های دو کشور مانند قفقاز، لندن، برن و اسلامبول پیگیری می‌شد و پس از فرازونشیب‌های فراوان در ورشو و تهران نهایی گشت. در مذاکرات دوجانبه، طرف لهستانی ضمن اشاره تلویحی به

<sup>۱</sup> Ignace Moscicki

سابقه روابط بین طرفین در دوره صفویه تلاش می‌کرد تا این مطلب به نحوی در اسناد مطرح شود. جالب اینکه قبل از شکل‌گیری روابط و در دورانی که لهستان در اشغال روسیه تزاری بود، یک لهستانی به نام مسیو ورتهیم، سرکنسول افتخاری ایران در ورشو بود. در همین دوران، وزارت امور خارجه ایران برای برخی از نمایندگان خود مانند نبیل‌الدوله و یمین‌خاقان از لهستان آگرمان دریافت کرده بود. پس از استقلال لهستان، اولین نماینده ایران در این کشور یمین‌خاقان بود که در اواخر سال ۱۳۰۳ ش. وارد ورشو شد. اولین شارژدافر لهستان در تهران نیز استانیسلاو همپل بود که در تاریخ ۱۳۰۴ ش. به تهران آمد. جالب اینکه طرف لهستانی درخواست افتتاح کنسولگری در تبریز را داشت که مورد موافقت دولت ایران قرار گرفت و در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۰۷ ش. کنسولگری آن کشور افتتاح شد. قرارداد دوستی و نیز قرارداد تجارتي بین دو کشور به‌طور همزمان در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ ش. در تهران به امضای نمایندگان دو کشور رسید و پروتکل‌هایی به‌منظور تجدیدنظر در مورد برخی مواد عهدنامه دوستی و قرارداد تجارتي در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۰۷ ش. در تهران بین دو طرف مبادله شد.

## منابع و مأخذ

### اسناد:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۱۱۶-۱۱-۱۳-۱۳۳۴ ق.

----- ۱-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.

----- ۱/۲-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.

----- ۱۵-۰۶-۵۱-۱۳۳۸ ق.

----- ۱۵-۰۷-۱۰-۱۳۳۹ ق.

----- ۱۵-۰۷-۰۳-۱۳۳۹ ق.

----- ۱۵-۰۷-۰۵-۱۳۳۹ ق.

----- ۱۵-۰۷-۱۱-۱۳۳۹ ق.

----- ۱۵-۰۷-۰۴-۱۳۳۹ ق.

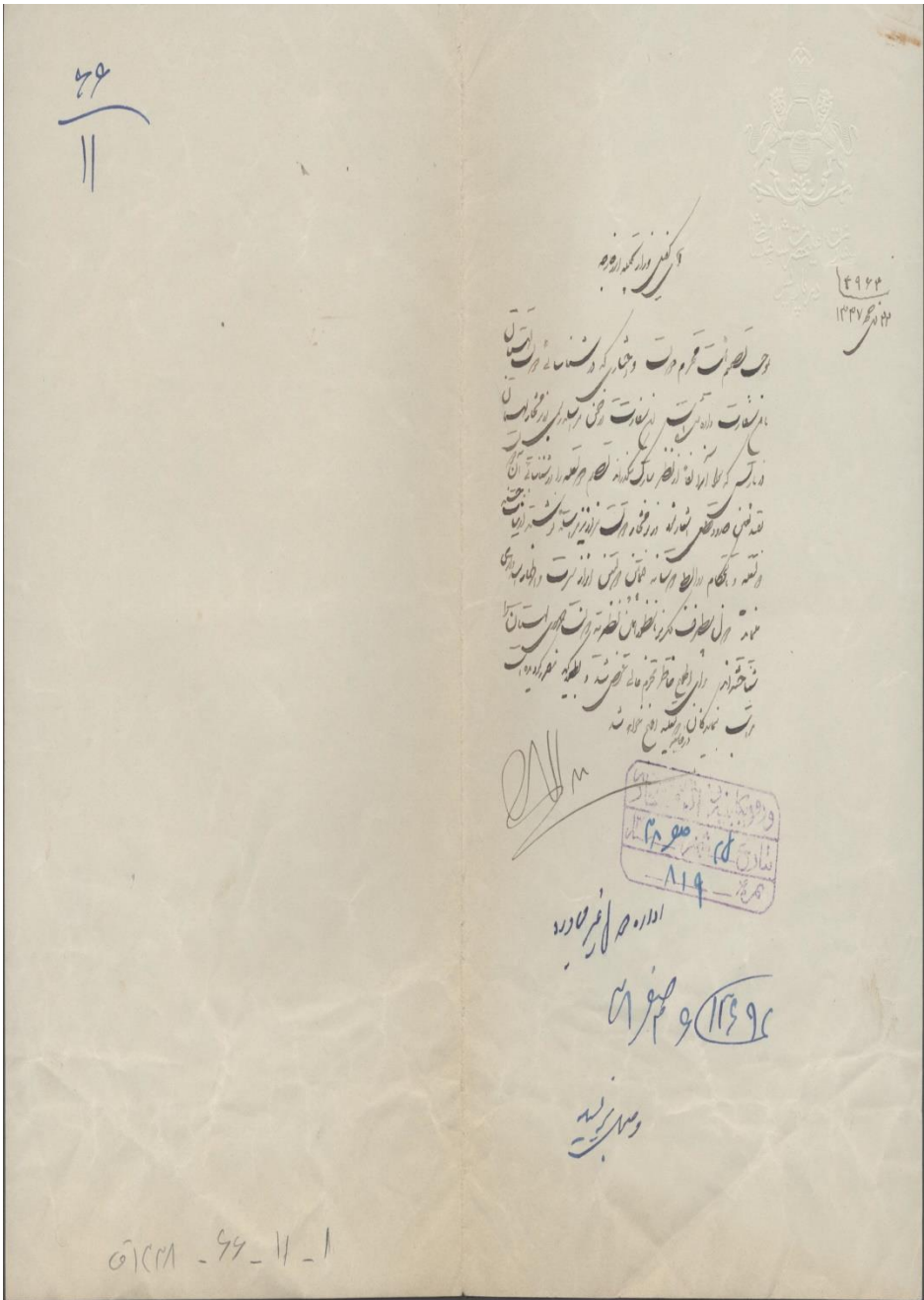
----- ۱۱-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.

----- ۱۱-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ ش.

- ۶ و ۰۳-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ش.
- ۱۱-۰۳-۴۲-۱۳۰۲ش.
- ۱۱-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۳۳ و ۰۴-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۵۳ و ۳۱-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۴۷ و ۲۶-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۶-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۷-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۵-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۱۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۱۲ و ۰۸-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۵۳-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۵۴.۱، ۵۴.۲ و ۵۴-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۵۶ و ۵۵-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ش.
- ۰۲-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ش.
- ۱۱-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ش.
- ۱۲-۰۵-۱۵-۱۳۰۴ش.
- ۰۹-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۱۰-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۲۰-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۲۱-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۲۳-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۲۶-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۳۸-۳۸-۴۴-۱۳۰۴ش.
- ۰۷-۱۱-۵۵-۱۳۰۵ش.
- ۰۱-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ش.
- ۰۵ و ۳۰-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ش.
- ۴۰-۰۹-۱۵-۱۳۰۷ش.
- ۱۱-۲۸-۴۴-۱۳۰۷ش.

### کتاب‌ها و مقالات:

- برازش، امیرحسین، ۱۳۸۸، *روابط سیاسی ایران و لهستان در سده هفدهم میلادی*، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، زمستان، ش ۴۱، صص ۵۹-۳۹.
- بیات، نصرالله، ۱۳۸۱، *لهستان*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ابی‌نا، ۱۳۶۴، *روابط خارجی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- جولانتا، سیراسکا - دانیدو، ۱۳۸۳، *مناسبات ایران و لهستان در دوره صفوی*، ترجمه: خسرو مشهوری‌مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، پاییز، ش ۲۰، صص ۶۷-۵۱.
- علی‌بابایی، غلامرضا، ۱۳۷۵، *تاریخ سیاست خارجی ایران: از شاهنشاهی هخامنشی تا به امروز*، تهران: امیرکبیر.
- یولانتا، شیراکوفسکا - دیندو، ۱۳۸۵، *نفوذ و فرهنگ ایران در فرهنگ و هنر لهستان در عصر صفوی*، ترجمه: بدرالسادات علی‌زاده مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، بهار و تابستان، شماره‌های ۲۶-۲۷، صص ۳۳-۲۱.



شناسایی استقلال لهستان توسط سفارت ایران در پاریس بر اساس تصویب هیئت دولت (آرشیو وزارت امور خارجه ۰۱-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.)

Legation de Pologne  
à Paris  
N<sup>o</sup> 81/P.

Paris, le 1<sup>er</sup> Septembre 1844.

a. s. de la reconnaissance par  
le Gouvernement de S. M. T. le  
Schah de Perse de l'Indépendance  
de la Pologne

Monsieur le Ministre et Cher Collègue

Vous avez bien voulu, par votre note du  
29 Août 1844, m'informer qu'à la suite des  
démarches faites auprès du Gouvernement de  
S. M. T. le Schah de Perse, Votre Excellence  
a été chargée par telegramme de me notifier  
la reconnaissance par le Gouvernement Impérial  
de l'Indépendance de la Pologne, sous réserve  
de ses limites définitives.

Je m'empresse de prendre acte de  
cette importante communication que j'ai portée  
sans retard à la connaissance de mon  
Gouvernement, qui certainement sera heureux  
de voir s'établir des relations d'amitié et  
de sympathie entre la Perse et la Pologne.

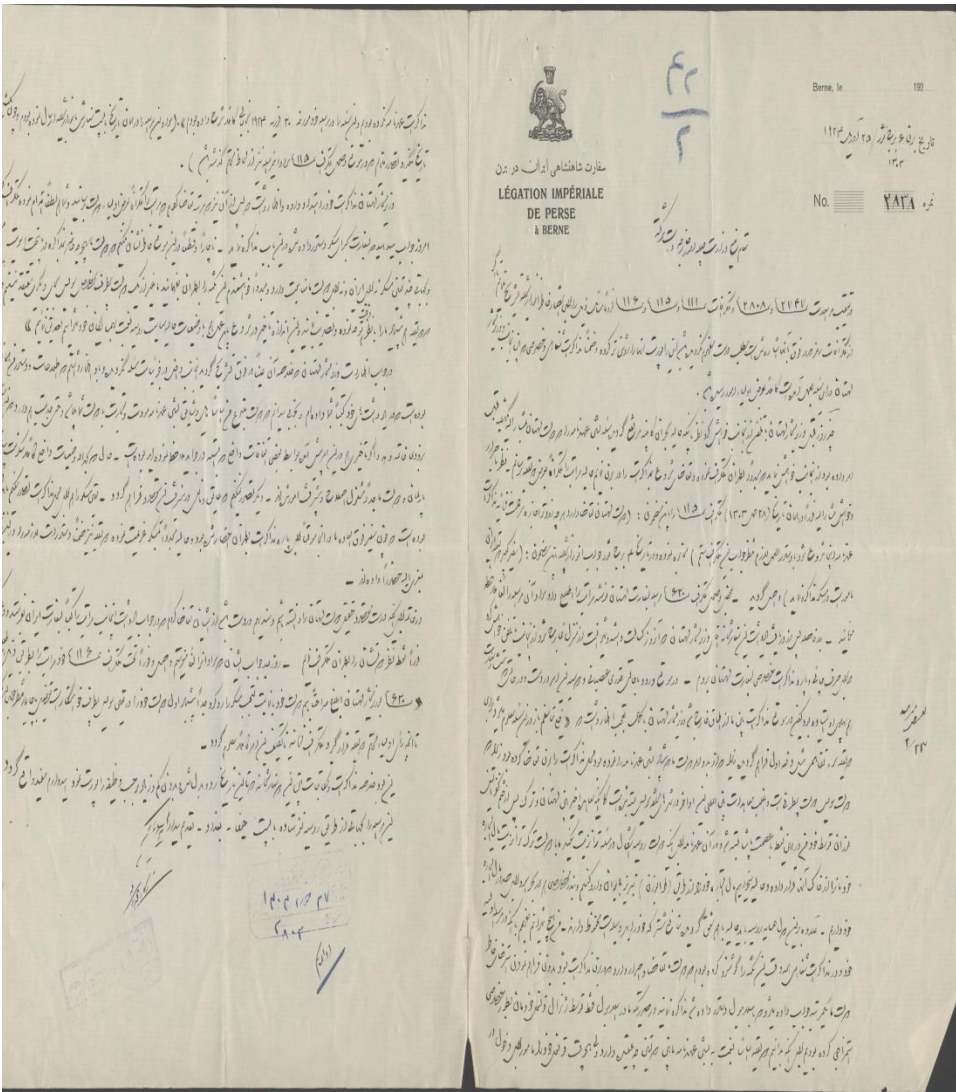
J'ai l'honneur de vous prier,  
Monsieur le Ministre et Cher Collègue, de  
bien vouloir agréer les assurances de ma  
haute considération.

Signé: Ministre de Pologne

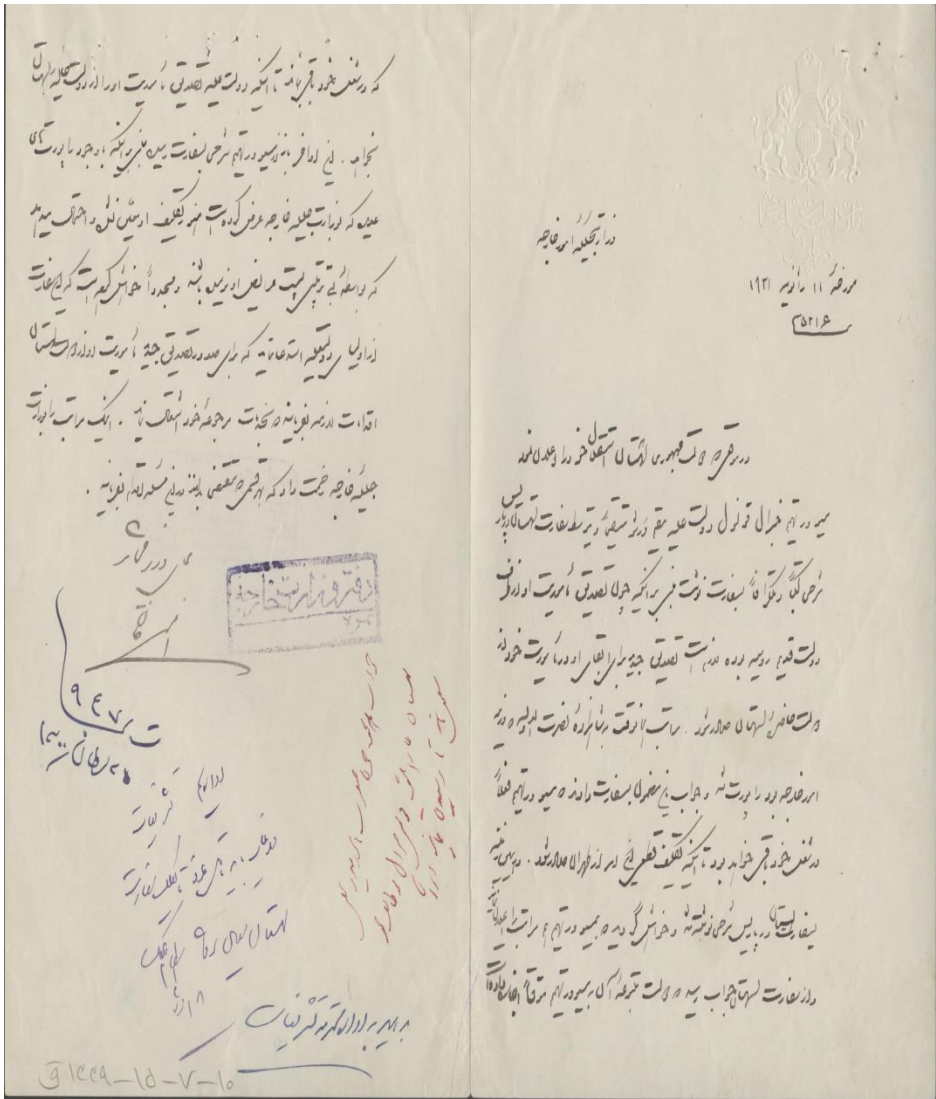
Son Excellence  
Samoud Khan Montazer Soltaneh  
Envoyé Extraordinaire et Ministre Plénipotentiaire  
de S. M. T. le Schah de Perse  
à Paris

یادداشت تشکر آمیز سفارت لهستان در پاریس در پاسخ به شناسایی استقلال این کشور توسط ایران

(آرشیو وزارت امور خارجه ۲. ۱-۱۱-۶۶-۱۳۳۸ ق.)



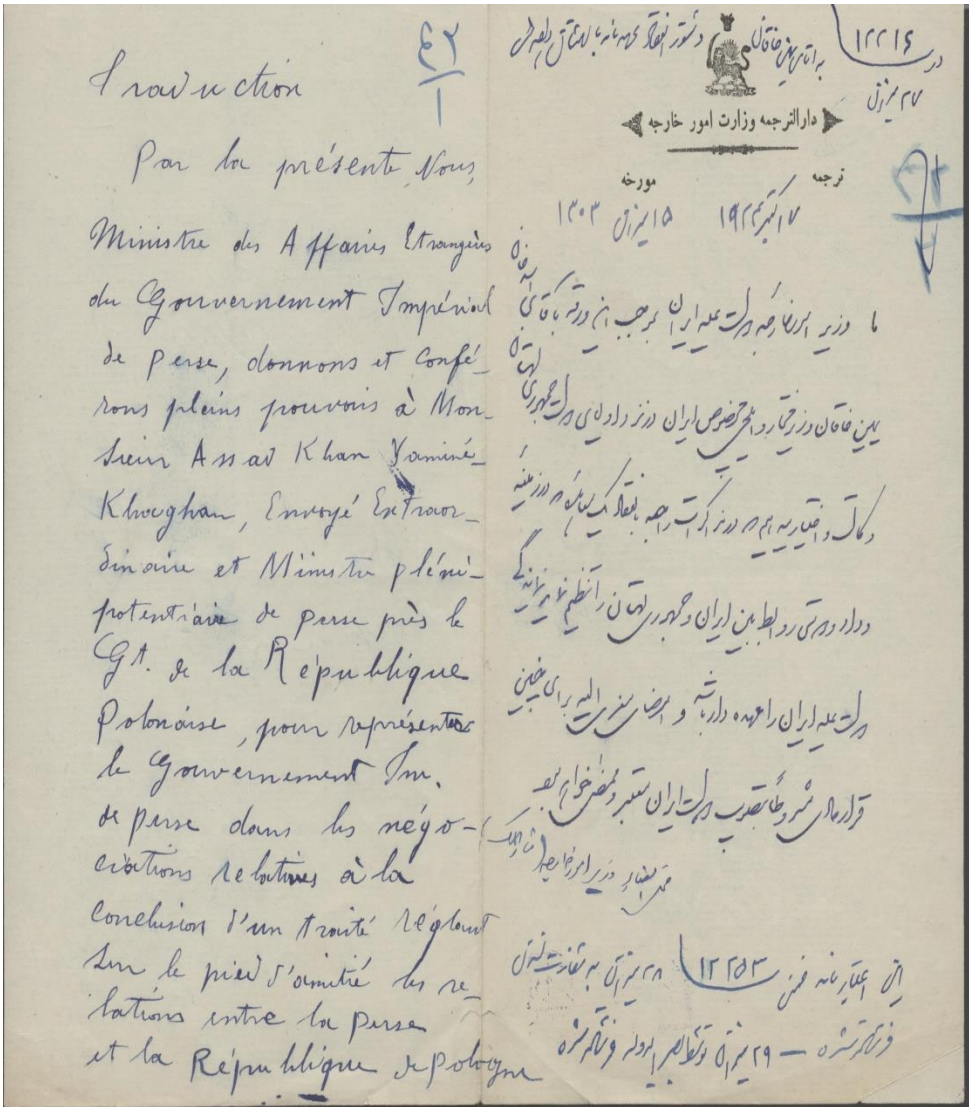
گزارش سفارت ایران در برن در خصوص پیشنهاد دولت لهستان جهت برقراری روابط در برن و پیشنهاد ایران برای انجام مذاکره در مسکو که مورد موافقت طرف لهستانی قرار نگرفت. (آرشیو وزارت امور خارجه ۵۳-۰۱-۴۲-۱۳۰۳.ش.)



گزارش سفارت ایران در پاریس و اشاره به مسیو ورتهیم به عنوان جنرال قونسول

افتخاری ایران در ورشو

(آرشیو وزارت امور خارجه ۱۰-۷۰-۱۵-۱۳۳۹ق.)



تفویض اختیار به اسدخان یمین خاقان نماینده ایران در ورشو به منظور مذاکره در مورد معاهده

داد و دوستی روابط بین ایران و جمهوری لهستان

(آرشیو وزارت امور خارجه ۱۹-۰۱-۴۲-۱۳۰۳ ش.)



